

واکاوی تأثیر گفتمان سیاست اسلامی امام خمینی (س) بر روشنگری امت اسلامی

علیرضا زرگر^۱

چکیده: زمینه و هدف بیداری اسلامی، پدیده‌ای است که در عصر سیطره فکری، فرهنگی و سیاسی استعمار در جهان اسلام از اندیشه‌های بزرگانی چون جمال‌الدین اسدآبادی آغاز گردید؛ اما نتوانست طرحی نو دراندازد. امام خمینی نخستین متفکری بود که بیداری اسلامی را به گفتمان و رفتار سیاسی بدل نمود و توانست با رهبری فکری تحول برانگیز، خیزش اسلامی علیه نظام سلطه و دیکتاتورهای دست‌نشانده آن را وارد اراده عمومی مسلمانان، مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش جهان نماید. فرض ما در تحقیق فوق این است که گفتمان سیاسی امام خمینی بر روشنگری و آگاهی امت اسلامی تأثیر دارد. روش این مقاله، روش کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیل اسنادی و ابزار گردآوری، جمع‌آوری و مطالعه منابع، استخراج داده‌ها، طبقه‌بندی و بهره‌برداری و تحلیل آن‌هاست. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اندیشه‌های امام خمینی، بزرگ‌ترین آموزه برای قیام‌های مردمی جهان اسلام است. نقش امام ترکیب تفکر رهایی اسلامی با اراده جمعی بود که دستاورد آن ایجاد گفتمان مسلط به نام بیداری ملل اسلامی است. راهبردهای امام در این مسیر عبارت بودند از: احیای اسلام سیاسی، نفی نظام‌های سیاسی غیر مردمی و غرب محور، دفاع از تلفیق دین و سیاست، نفی سلطه و صهیونیسم و روز جهانی قدس، وحدت اسلامی و ...

کلید واژه‌ها: امام خمینی، خیزش، بیداری اسلامی، ملل اسلامی، نظام سلطه.

۱. دکتری علوم سیاسی، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
E-mail: a.zargar.1976@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۳

پژوهشنامه متین/سال بیستم/شماره هفتادوهشت/بهار ۱۳۹۷/صص ۵۲-۳۳

تبیین مسئله

در طول تاریخ، استعمار به طرق مختلف در تلاش بوده با سیطره بر کشورهای اسلامی منابع آنها را چپاول نماید. در این میان منابع اولیه را از دارالاسلام به یغما برده و در مقابل کالای مصرفی خانه برانداز، وابستگی فرهنگی و تفرقه را به دنیای اسلام هدیه کرده است.

قیام ملت‌ها تبلور آگاهی و بیداری سیاسی آنهاست که معلول خفقان و استبداد داخلی، استعمار و استثمار خارجی، رشد و افزایش شعور دینی و سیاسی ملت‌هاست.

اکثریت کشورهای اسلامی در عرصه حکومتی تحت سیطره حاکمانی هستند که ستم، خفقان، نبود هرگونه آزادی و سیستم بسته حکومتی ضامن قوام و بقای حکومت آنهاست در این نوع حکومت‌ها که دیکتاتوری تام است اراده مردم، دین و اصول علمی و عقلی و سیاست پاک وجود ندارد و حاکمان ناگزیر از توسل به استبداد هستند.

از دیگر سوی این چنین حاکمان رمز بقای قدرت خود را در قرابت با قدرت‌های بزرگ جهان جستجو می‌کنند. نزدیک شدن و اعطای امتیازات فراوان به دولت‌های بزرگ روشی است که باعث مستعمره آشکار و یا پنهان کشورها و عقب ماندن آنان می‌گردد. همچنین برخی دولت‌ها با استفاده از نیروی دول دیگر به سرکوب نهضت‌های مردمی خود پرداخته تا قدرت سیاسی و منافع اقتصادی آنها حفظ گردد.

لذا ملت‌ها با مشاهده استبداد داخلی و استعمار خارجی قیام کرده و در تلاش جهت آزادسازی کشور خود و تشکیل نظام سیاسی مردمی جهت رعایت حقوق و اداره مردم در تصمیم سازی و تعیین سرنوشت خود، رعایت عدالت اجتماعی، دفع تبعیض نژادی، فساد و غارت و تجاوز و ... می‌نمایند.

بیداری اسلامی پدیده سیاسی، اجتماعی فراگیر است که از دوران پیامبر مکرّم اسلام آغاز گردید و در دوران معاصر با غلبه نظام سلطه و دست‌نشانده آنها در دنیای اسلام به اوج خود رسید. اندیشمندانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید قطب، حسن البنا تلاش‌هایی را در رفع سلطه صورت دادند؛ اما مؤثر واقع نشده و تبدیل به گفتمان و رفتار سیاسی نگردید تا اینکه امام خمینی با اندیشه و آرمان آزادی بخشی ملل اسلامی از استبداد داخلی و سلطه خارجی قیام می‌کنند.

آغاز بیداری اسلامی در ایران مقطعی است که در دوران قاجاریه علما و مردم سنگینی فشار و تحقیر استعمار و استبداد را احساس می‌کنند و برای مطالبه حقوق مردم و قانون اسلامی تلاش می‌نمایند؛ اما با منحرف شدن موج اسلام‌خواهی، نهایتاً نهضت خاموش می‌گردد.

تأمل در اندیشه‌نخبگان و رهبران سیاسی که تحول بنیادینی در معادلات میان ملت‌ها و دولت‌ها ایجاد می‌نماید از ضروریات عصر حاضر است. امام خمینی از رهبران تأثیرگذار در پیدایش خیزش‌های سلطه‌ستیز جهت تأسیس حکومت‌های اسلامی - مردمی است و با تأکید بر ضرورت بیداری ملت‌ها که شرط لازم مبارزه است قیام می‌نماید تا بتواند تحول گسترده‌ای در جهان اسلام ایجاد نماید. آن‌چنان‌که می‌گوید:

امروز ایران ... درس عبرتی است برای کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان که قدرت اسلامی خود را بیابند و از عریده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان پیاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۶۱).

امام خمینی به‌عنوان احیاگر تفکر اسلامی و تئورسین اسلام سیاسی تلاش نمود آغازگر جهادی باشد که زیربنای تغییرات سیاسی مبانی اسلامی باشد و رفتار سیاسی برگرفته از اندیشه سیاسی، نویدبخش نظم سیاسی نوینی باشد که آزادی، استقلال و عزت جای استبداد و استعمار و نظام سلطه را بگیرد.

اساسی‌ترین سؤال پژوهش حاضر این است که: نقش امام خمینی در پیدایش تفکر بیداری اسلامی در جوامع اسلامی علیه نظام سلطه جهانی و عوامل داخلی آن‌ها چیست؟ بنابراین فرض تحقیق بدین شکل است که امام خمینی با اندیشه سیاست اسلامی و مؤلفه‌های ضد استبداد و استعماری اسلامی، نظام سلطه جهانی و عوامل داخلی آن‌ها را به چالش کشیده و توانست با بازتعریف اسلام اصیل، تحولی در اندیشه مسلمانان جهان ایجاد نماید و شروع به پی‌ریزی نظامی سیاسی اسلامی از ایران نماید تا الگویی برای امت اسلامی گردد.

روش تحقیق

استفاده از روش متناسب با موضوعات خاص، لازمه تحقیق خوب است. لذا پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع تحقیق کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیل اسنادی است. در این مطالعه، پژوهشگر مطابق روش مطالعه توصیفی، گزیده‌ای از اندیشه‌های امام خمینی را از میان آثار ایشان استخراج و بدون هیچ دخل و تصرفی طبقه‌بندی، توصیف و در ادامه هر مطلب به تشریح و تحلیل موضوعات پرداخته‌اند. جامعه پژوهش شامل تمامی منابع و آثار مرتبط با موضوع تحقیق از قبیل تألیفات، سخنرانی‌ها و مقالات امام خمینی و دیگران است.

پیشینه پژوهش

در زمینه تأثیر انقلاب اسلامی و امام خمینی بر خیزش و قیام علیه نظام سلطه و ایادی آنها که دولت‌های وابسته باشد تحقیقاتی انجام شده است. در این تحقیق مؤلفه‌های گفتمان امام خمینی و زمینه‌ساز بیداری اسلامی احصاء و ارائه گردیده است. در ذیل به نمونه‌هایی از پژوهش‌های صورت گرفته اشاره می‌گردد.

ابوذر قاسمی آرانی در پژوهشی در سال ۱۳۹۲ با عنوان امام خمینی و بیداری اسلامی، امام خمینی را از بزرگ‌ترین پایه‌گذاران بیداری اسلامی قلمداد می‌نماید. وی کوشش می‌کند امام را به عنوان رهبر اصلی بیداری اسلامی جهان معرفی کند و نشان دهد؛ بیداری در سخنان امام جلوه بارز و روشنی دارد و یکی از دغدغه‌های اصلی امام، آگاهی بخشیدن به ملت‌های مسلمان جهان است.

حسن اسماعیلی در سال ۱۳۹۴ در پژوهش *بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی*، معتقد است دوست و دشمن امام خمینی به تأثیر انقلاب اسلامی و امام خمینی در بیداری کشورهای جهان اسلام ایمان دارند چه بگویند چه نگویند. اندیشه‌های امام مرزهای ایران را در نور دیده و مایه حرکت جهان اسلام شده است.

مفهوم نظری

۱. بیداری

بیداری پدیده‌ای است متضاد با پدیده خواب، بیداری مترادف واژه عربی «يقظ، الصحوه، الوعی» به معنی از خواب بیدار شدن، هشیار کردن، هشدار دادن است و در جوامع، بیدار به کسی گفته می‌شود که در خواب واقعی نباشد بلکه به برانگیختن، آگاه و هوشیار ساختن فرد یا گروهی اطلاق می‌شود (مهیار ۱۳۸۹: ۲۲۳).

۲. بیداری اسلامی

بیداری اسلامی معادل واژگانی عربی چون: «الصحوه اسلامیة، البعث اسلامی، التیار اسلامی، الحرکه اسلامی و الیفظه اسلامی» است که هر یک به معانی اصلاح دینی، احیاگری دینی و یا اسلام‌گرایی است (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۱۷).

بیداری اسلامی به پدیده‌ای اجتماعی - سیاسی گفته می‌شود که مراد از آن هوشیاری امت اسلامی یا بازگشت بیداری آن‌هاست مصداق کلام شریف اولین بیدارگر مسلمانان، حضرت

امیرالمؤمنین علی (ع) است «المؤمن هو کیس الفطن» مؤمن زیرک و باهوش است (مجلسی ۱۳۶۲ ج ۶۷: ۲۹۱) پیامی که از کلام عبرت آموز منتخب می گردد این است که مسلمانان نباید فریب سیاست‌های استثمارگران و استعمارگران و همین‌طور نظام‌های سیاسی غیر مردمی و وابسته خود را بخورند بلکه با هوشیاری و ذکاوت اسلامی در مقابله با آنها قیام و برای خود استقلال، آزادی، خودکفایی و پیشرفت به ارمغان بیاورند. البته در این راه باید با الگوگیری و پیروی از رهبران روشن ضمیر موانع را پشت سر بنهند.

مراد از بیداری اسلامی، تفکرات و باورهای دینی است که حرکتی را ایجاد می کند که هدف آن بازگشت به اسلام ناب پیامبر اعظم، چنگ زدن به آموزه‌های قرآن و هویت فراموش شده اصیل آن است تا در سایه هوشیاری و وحدت و اعتقادات مشترک، با شکستن سکوت و قیام، رهایی از استعمار و استکبار جهانی را به ارمغان آورد.

۳. گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی

اسلام سیاسی گفتمانی است که هویت و آموزه‌های اسلامی را در کانون رفتار سیاسی کنشگران قرار می دهد در این گفتمان، اسلام به یک زیربنای برتر تبدیل می گردد (بهر روز لک ۱۳۸۶: ۲۰۹). اسلام سیاسی بیشتر جهت توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی که خواستار تأسیس حکومتی جدید بر مبنای اصول اصیل اسلامی هستند به کار می رود که نتیجه آن نظم نوین اسلامی یا تشکیل حکومت اسلامی است (بابی ۱۳۷۹: ۲۰).

در گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی، محوریت، فقه، ولایت فقیه و نقش روحانیت در تفسیر شریعت است و فقها به عنوان کارشناسان دین اسلام می باشند که اسلام بدون روحانیت انحرافی و بی محتوا خواهد بود (حسینی زاده ۱۳۸۶: ۱۷).

ویژگی برجسته امام اصلاح وضع موجود جهان اسلام است نه فقط ایران، امام به مخالفت بانظم سیاسی رایج در جهان اسلام برخاست و در این گفتمان، یک مخالفت ساده به یک گفتمان و رفتار سیاسی و جنبش ضد نظم حاکم تبدیل گشت.

ای مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپاخیزید! وای علمای اعلام جهان اسلام به داد اسلام و بلاد مسلمین و مسلمانان برسید! و در هر گوشه و کنار، همچون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه ستمکاران غرب و شرق زنید، ... و همچون سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده، و در

میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید؛ و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۴۴).

گفتمان اسلام سیاسی امام در تلاش برای تشکیل دولتی مدرن بر پایه اسلام با بسیج مردمی و حکومت مردم به دور از هرگونه استعمار و استبداد با محوریت روحانیت است.

امام خمینی معمار بیداری اسلامی

مؤلفه‌های گفتمان امام خمینی و زمینه‌ساز بیداری اسلامی

قیام‌های مردمی کشورهای اسلامی با امید رفع استبداد و دفع استعمار، ریشه در آموزه‌های الهی - سیاسی امام خمینی داشته و متأثر از نهضت فکری وی است امام در دکترین خود تلاش دارد جهان اسلام را از وضع موجود به وضع مطلوب به حرکت وا دارد که جهان اسلام با توسل به این مؤلفه‌ها می‌تواند به آینده مطلوب امید داشته باشند؛ اما عواملی باعث فاصله گرفتن از حکومت مطلوب برای ملل اسلامی می‌گردد. موانع بیداری اسلامی تحریف اسلام و فاصله گرفتن از آن است به عبارت دیگر کلید توسعه و پیشرفت را در علوم و روش‌های غربی دانستن است نه اسلام. حاکمان خود از موانع دیگر بیداری محسوب می‌شوند؛ چرا که بیداری ملت‌ها و تشکیل حکومت‌های اسلامی مردمی مغایر با منافع سیاسی و اقتصادی حاکمان است لذا نهضت‌های مردمی را تحریف می‌نمایند. وحدت رمز توفیق ملت‌ها در برابر استبداد حاکمان و استعمارگران است لذا حاکمان با ایجاد تفرقه بین امت اسلامی، آرمان آزادی و رهایی بخشی آن‌ها را نشانه رفته و تحریف می‌نمایند.

هدف امام خمینی از روزهای آغازین نهضت انقلابی، صرفاً مبارزه علیه حکومت استبدادی پهلوی نبود بلکه امام بر اتحاد و بیداری همه ملت‌های اسلامی علیه حاکمان ظالم - که به جای پایگاه مردمی و همراهی با مردم، جهت حفظ تاج و تخت خود با نظام‌های سلطه همراه می‌شدند - تأکید داشتند و جهان‌شمولی نهضت اسلامی را مدنظر قرار دادند و از قیام مردمی و انقلاب ایران به عنوان اولین بیداری اسلامی جهان اسلام یاد کرده‌اند که ملل اسلامی دیگر باید آن را الگوی مدیریت سیاسی و تصمیم‌سازی آینده خود قرار دهند.

با عنایت به ابتدای اندیشه‌های امام به آموزه‌های الهی و یک دین وسیع، طبیعی است که چنین تفکری به مکان مشخصی محدود نمی‌گردد و تحول، حرکت و بیداری کل جهان اسلام در حوزه دید و اندیشه‌های امام نهفته است ایشان در این زمینه می‌گوید:

تمام ملت‌های مظلوم را پشتیبانی می‌کنیم. و تمام ملت‌های مظلوم باید ظالم‌ها را از صفحه روزگار بیرون کنند. و از تاریخ بیرون برانند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۱۳۳).

یا می گوید:

باید با ملت‌ها در میان گذاشت؛... تا ملت‌ها یک همچو انسجامی پیدا نکنند، باید بدانند که محکوم به حکومت‌های فاسد و محکوم به امریکای جنایتکار و سایر ابرقدرت‌ها هستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۳۲۵).

کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان که قدرت اسلامی خود را بیابند و از عربده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان بپاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۶۱).

مؤلفه‌های اصلی گفتمان سیاسی امام خمینی که در بستر سازی و ریشه سازی بیداری اسلامی جهان اسلام تأثیر داشته عبارت‌اند از:

۱. ایده وحدت اسلامی، امت اسلامی، حکومت واحد جهانی اسلام

از تأکیدات امام خمینی اتحاد میدان مذاهب اسلامی و همبستگی شیعه و سنی و عدم شعارها، تصمیمات و رفتارهای تفرقه‌انگیز است؛ چراکه در بین مذاهب اسلامی نقاط اشتراک به مراتب بیشتر از اختلافات است؛ اما واجب‌الوجوب این است که تهدیدات همه‌جانبه اسلام وحدت اسلام را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، امام می‌گوید:

باید تعلیمات اسلام را گرفت و همان طوری که اسلام دستور داده است که مؤمنین، همه مؤمنین در همه جا برادر هستند و امر کرده است به اینکه اعتصام به حبل‌الله بکنید و متفرق از هم نشوید و دستور داده است به اینکه تنازع با هم نکنید و الأَفْئِل می‌شوید، مسلمین وقتی می‌توانند از گیر ابرقدرت‌ها و از گیر حکومت‌های فاسد خودشان خلاص بشوند که این امر خدا را اجابت کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۹۱).

از استراتژی‌های امام خمینی که در فضا سازی آگاهی بخشی و بیداری ملت‌های مسلمان حائز اهمیت است تلاش ایشان بر تشکیل امت واحد جهان اسلامی است که تأثیر بس شگرف بر آینده جهان اسلام در مقابله با حاکمان مستبد غیر مردمی و استعمار خارجی خواهد داشت. در مرحله مقدماتی لازمه تشکیل امت اسلامی واحد جهت تأسیس حکومت جهانی اسلام، سرنگونی حکومت‌های موجود جوامع اسلام است که امام می‌گوید:

ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم... تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است (امام خمینی بی تا: ۳۶-۳۷).

از نقشه‌های بزرگ آنها مسئله ملتگرایی است. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را همه را با هم متحد کند. و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۴۳).

امام در خصوص توطئه استکبار و دول قدرتمند برای آینده کشورهای اسلامی می‌گوید: نقشه قدرت‌های بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مُسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است، و مؤمنون را به نام اخوت یاد فرموده است از هم جدا کنند، و به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس از هم جدا کنند بلکه با هم دشمن کنند. و این درست بر خلاف مسیر اسلام است و مسیر قرآن کریم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۴۴۳).

نهضت اسلامی ایران در اواخر این قرن سرنوشت امت اسلام را در قرن آتی دگرگون خواهند نمود. امید واثق که شرق در بند، و خصوصاً کشورهای اسلامی، در زیر پرچم توحید به مبارزات خود برای استقلال و آزادی ادامه داده، تا از چنگک غرب و شرق توطئه‌گر نجات پیدا کنند؛ و این قرن، قرن نورانی کشورهای اسلامی باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۳۶۴).

اگر وحدت کلمه اسلامی بود و اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرت‌ها باشد. اگر این قدرت - قدرت بزرگ الهی - مُنضم بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند، هیچ قدرتی بر آنها غلبه نخواهد کرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۶۶).

لذا مشاهده می‌شود که امام خمینی در برابر ملت‌گرایی طرح امت‌گرایی را ارائه می‌کند؛ زیرا مسلمانان یک امت واحد بوده و ملیت‌ها یا نژاد و زبان‌ها نباید عامل تفرقه آن‌ها در مقابله با دشمنان و عوامل داخلی‌شان گردد و امام پیام الگوگیری از نهضت و بیداری اسلامی مردم

ایران را به جهان اسلام ابلاغ نموده و از آن‌ها دعوت به بیداری کرده است تا با سرنگون کردن دولت‌های وابسته خود به تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام کمک نمایند که این امر باعث سر فرود آوردن همیشگی دشمنان در برابر اسلام خواهد گشت کما اینکه امروزه دشمنان، طرح تجزیه خاورمیانه و کشورهای اسلامی را در سر می‌پرورانند که وقت آن رسیده، که مسلمانان به خود آیند.

۲. احیای اسلام، حکومت اسلامی و مقابله با جدایی دین از سیاست

از اندیشه‌های دیگر امام خمینی که در تغییر نگرش ملل اسلامی و قیام علیه نظام سلطه تأثیر داشته، اندیشه ترکیب جمهوریت و اسلامیت و تشکیل حکومت اسلامی است. در اندیشه فوق جدایی دین و سیاست امری مردود است لذا امام راه نجات کشورهای اسلامی را تشکیل حکومت‌های اسلامی می‌داند و می‌گوید:

اسلام را می‌گویند از سیاست کنار است؛ دین علی حده است، سیاست علی حده. اینها اسلام را نشناخته‌اند. اسلامی که حکومتش تشکیل شد در زمان رسول الله و باقی ماند حکومت - به عدل یا به غیر عدل. زمان حضرت امیر بود باز حکومت عادلانه اسلامی بود... احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادت است. کتابهایی که اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتاب‌هایی است که در عبادت دارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۲۲۷).

برآیند اندیشه امام حکومت اسلامی است. امام اسلام سیاسی را به متن فرهنگ سیاسی جامعه وارد و نظم سیاسی نوینی را در نظام‌های سیاسی معرفی نمود. در فضای ذهن سیاسی امام، اسلام و حکومت اسلامی شرط لازم و کافی تحول‌آفرینی علیه نظام سلطه و در هم کوبیدن استبداد است. امام به جهانیان و به مستضعفان پیام می‌دهد که طومار طواغیت را در هم پیچیده و آزاد گردید و توصیه می‌کند با تشکیل حکومت اصیل اسلامی دست چپاولگران را از ممالک اسلامی کوتاه نماید لذا می‌گوید:

ما امیدواریم که با هم [با] پیوستگی به هم بتوانیم این طاغوت‌ها را تا آخر از بین ببریم و به جای او یک حکومت عدل اسلامی؛ که مملکت ما برای خودمان باشد و همه چیز ما به دست خودمان باشد... [ایجاد نمایم] (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۱۰۱).

امام خمینی با مدیریت سیاسی نهضت انقلابی به جهان اسلام پیام داد که مکتب اسلام توان کامل جهت‌دهی قیام‌های مردمی را در برابر طواغیت دارد و با ترویج مکاتب مادی و مدرنیته

این قابلیت را از دست نداده و تنها راه انسانیت به طور عام و جامعه اسلامی به طور خاص برای رهایی از خفقان، ستم و بی عدالتی بازگشت و پایبندی به اسلام ناب، شناخت و عمل به آن است و معتقد است:

والله اسلام تماش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می گیرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۷۰).

در هیچ رژیم و در هیچ دولتی آن طوری که در دولت اسلام و در رژیم اسلامی پایبند اخلاق و پایبند ارزشهای انسانی است، نخواهد بود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۶۵).

۳. حج ابراهیمی، کنگره عظیم اسلامی

امام خمینی مراسم حج و همایش عظیم اسلامی را فرصت مغتنمی قلمداد می کردند و تأکید می کنند مسلمانان برای درمان دردهای خود از این حادثه بزرگ استفاده کنند و از مردم بزرگ ایران دعوت می کردند که برای ابلاغ پیام انقلاب اسلامی ایران به مسلمانان مظلوم جهان از این فرصت استفاده نموده و اراده آن‌ها را جهت قیام در برابر حاکمان ظالم و نظام سلطه بیدار نمایند. امام زائران بیت الله الحرام را سفرای دینی و اخلاقی و پیام‌رسان انقلاب به گوش جهانیان مسلمان می دانست:

با رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خود همگان را جلب کرده و چهره انقلاب اسلامی را آن گونه که هست به نمایش ملت‌های جهان می گذارید و توجه آنان را با برخوردهای برادرانه و محبت آمیز به انقلاب بزرگ ایران جلب می نمایید و عملاً تبلیغات فاسد مغرضانه بوق‌های تبلیغاتی را خنثی می نمایید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۲۷).

از دیگر آثار مراسم حج، راهپیمایی برائت از مشرکین است که معماری آن به وسیله امام صورت گرفت. این ابداع و قرائت پیام‌های هر ساله حج در روابط بین ملل اسلامی و آگاه‌سازی آن‌ها تأثیر بسزایی دارد.

لذا می فرمودند:

اصولاً برائت از مشرکین از وظایف سیاسی حج است و بدون آن، حج ما حج نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۲).

ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژي متراکم جهان اسلام داشته داریم. ان شاء الله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرت‌ها و نوکران و جیره‌خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۸۰).

۴. ایده تشکیل بسیج مستضعفان اسلام

بسیج به معنای تشکیل گروهی از مردم با افکار مشابه جهت رسیدن به هدف مشترک است. بسیج قابلیت ایجاد هرگونه تغییر بنیادین یا تحولی را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. بسیج در جهان اسلام قیامی است مقدس که باعث دستیابی مسلمانان به اهداف مهم چون مقابله و توفیق در برابر استعمارگران و حکومت‌های دست‌نشانده آن‌ها می‌شود. بسیج مستضعفان به‌عنوان اتحاد مردم تحت ستم به امید آزادی و رهایی از سیطره مستکبران است. امام خمینی با امید قاطع توانایی مستضعفان جهان آنان را به وحدت و بسیج عمومی در برابر طاغوت‌های زمانه دعوت می‌نماید و برای ایجاد تحولات بنیادین به آن‌ها توصیه‌هایی دارند.

همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۴۸).

همچنین می‌گوید:

باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است ... باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۹۵).

امام در اهمیت و توانمندی بسیج مستضعفان جهان معتقد است که می‌توان با اتحاد مظلومان اسلام بدون آمریکا و صهیونیسم به آزادی رسید و در صلح و مسالمت زندگی کرد.

۵. فلسطین

مصادق بارز اهمیت جهان اسلام و ملل ستم دیده مسلمان برای امام خمینی مسئله بسیار حیاتی دارالاسلام، یعنی «فلسطین» است که فلسطین را پاره تن اسلام معرفی می‌کند. امام خمینی در

بحران فلسطین و صهیونیسم به دنبال ایجاد وحدت اسلامی علیه اسرائیل غاصب است و اسرائیل را دشمن جهان اسلام خطاب می‌کند؛ زیرا جریان فلسطین فقط یک سرزمین جغرافیایی نیست بلکه جبهه مقابل اسلام است و از بین بردن اسرائیل را واجب مسلمین می‌داند.

سیاست اعمالی امام در ایجاد وحدت مسلمین علیه صهیونیسم و استکبار، ابداع روز جهانی قدس است که سهم قابل توجهی از بسترسازی بیداری اسلامی را شکل می‌دهد. امام با اعلام جهانی مسئله فلسطین آن را تبدیل به جریان اول همه مسلمین نمود که سراسر جهان اسلام باید در آن نقش کلیدی ایفا نمایند. امام خمینی با جریان سازی یکپارچه جهان اسلام درباره روز قدس می‌گوید:

من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم... من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم پیوندند. و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است، و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۲۶۷).

۶. استقلال از بیگانگان

مراد از استقلال، استقلال از دیگران است؛ به‌ویژه نظام سلطه که هدفش وابسته نگه داشتن و استثمار کردن است. زیربنای همه جنبه‌های استقلال از قبیل استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... استقلال فکری است؛ زیرا انسان وابسته فکری، به قطع در زمینه‌های دیگر نیز وابسته خواهد بود. تأکید امام بر تلاش برای تغییر انسانی که از خود اسلامی‌اش فاصله گرفته و ایجاد تحول در زمینه‌های فردی، فکری و اجتماعی است که خود نوعی بیداری تلقی می‌گردد.

اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۳۰۷).

اول قدم این است که بیدار بشوند؛ غفلت را کنار بگذارند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۲۴۳).

امام معتقد است استقلال فکری موجب استقلال اقتصادی و استقلال اقتصادی موجب

استقلال سیاسی و نظامی می‌گردد لذا اولویت با استقلال فکری است لذا می‌گوید:
تا انسان استقلال فکری نداشته باشد، نمی‌تواند یک فرد مفیدی باشد (امام خمینی
۱۳۸۵ ج ۹: ۲۰۲).

هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضربه بزند. اگر ما از نظر فکری مستقل باشیم (امام خمینی
۱۳۸۵ ج ۱۵: ۳۱۰).

وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از
خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام
است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق
می‌بخشد قیام کنید (امام خمینی ۱۳۶۹: ۲۲).

همچنین امام تأکید وافری بر خودباوری داشتند. اعتماد به نفس و احساس شخصیت از عوامل
تأثیرگذار در حرکت به استقلال است. احساس شخصیت اسلامی و اعتماد به نفس اسلامی،
مسلمین را در استقلال کمک خواهد کرد.

ما که می‌خواهیم وابسته نباشیم باید اول بیدار بشویم به اینکه ما خودمان هم
شخصیت داریم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۵۳۵-۵۳۴).

تا ما خودمان را پیدا نکنیم... نمی‌توانیم مستقل بشویم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۲۲۷).
لذا تحول فکری و روحی انسان مسلمان سرآغاز تحول و استقلال او از دیگر دولت‌هاست
که اگر اتفاق افتد منشأ تحولات و بیداری امت اسلامی در رهانیدن خود از چنگال دولت‌های
استعماری و دولت‌های دست‌نشانده‌شان خواهد گردید.

۷. مقابله با استبداد

نظام پادشاهی یکی از اشکال متعارف حکومت در کشورهای اسلامی است. نظام پادشاهی
ناگزیر از دیکتاتوری است چراکه تأمین‌کننده منافع شخصی، خانوادگی و قبیله‌ای است.
بسیاری از رژیم‌های سیاسی کشورهای اسلامی به جای ابتدا به پشتوانه مردمی و قدرت
مردم، حمایت قدرت‌های بزرگ را ضامن دوام خود می‌دانند و قدرت‌های سلطه‌گر نیز جهت
تأمین منافع خود علی‌رغم شعارهای مردم سالارانه، از حکومت‌های دست‌نشانده خود حمایت
می‌نمایند؛ لذا تأمین منافع استعمارگران از یک سو و منافع حکومت‌های غیر مردمی، کشورهای
اسلامی را به استبداد فرامی‌خواند که عوامل فوق در قیام مردم کشورهای اسلامی علیه حاکمان
و حامیان آن‌ها تأثیرگذار است.

امام خمینی با توسل به آموزه‌های اسلامی، مخالفت با استبداد حاکمان علیه مردم را وظیفه ملت آزاده اسلامی می‌داند و نافرمانی سیاسی و مقابله با آن‌ها را امری ضروری تلقی می‌نماید و در تلاش برای بیداری مسلمانان در استبداد و خفقان دیکتاتورهای ممالک اسلامی هستند. حتی مقام معظم رهبری در تأیید فرمایش امام خمینی در پیش‌بینی آینده حکومت‌های اروپایی معتقد است که نفاق و دورویی، وابستگی و سرسپردگی باعث خواهد شد طومار زمامداران اروپایی نیز در هم بیچد: «این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپایی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که یکسره تسلیم آمریکا و صهیونیسم هستند، قیام خواهند کرد. این بیداری حتمی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور: ۱۳۹۰/۰۲/۱۴).

۸. استعمارزدایی اسلامی

در اندیشه سیاسی اسلامی امام خمینی نفی وابستگی به قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر، به موازات نفی استبداد داخلی دارای اهمیت است. نفی استبداد و نفی استعمار، دوروی یک سکه‌اند که برای موفقیت اسلامی هر دو باید مورد توجه قرار گرفته و هیچ کدام در درجه کمتر اهمیت قرار ندارد.

امام‌رهایی از سیاست‌ها و اهداف استعمارگرانه را سرمنشأ استقلال و عزت می‌داند و تأکید وافری بر مواجهه با سلطه‌گری مستکبرین و قیام در برابر آن‌ها جهت آزادی و استقلال سیاسی می‌نماید و معتقدند ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود به دور از دخالت اجانب آزادند. ایشان ارزش حیات را در آزادی و استقلال می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۲۲۰).

از منظر امام تقویت اسلام، اسلام‌مداری و ایجاد فرهنگ و امت اسلامی سبب زوال غرب محوری و فرسایش تفکرات مشابه خواهد گردید و به‌عنوان رهبر آزادیخواه جهان اسلام به ملل اسلامی تذکر می‌دهد با توسل به اسلام سیاسی و انقلابی در برابر افزون‌خواهی و چپاول غرب در جهان اسلام بایستید و مانع استعمار، استثمار و غارت مسلمین گردید و توصیه می‌کند در این فرآیند از ایران اسلامی عبرت بگیرید.

امروز ایران اسلامی، به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در افشار مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگل‌های منحرف را از کشور خود کوتاه، و به هیچ قدرتی اجازه نمی‌دهد کوچکترین دخالتی

در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که با خواست ملت‌ها کسی نمی‌تواند دست تجاوز دراز کند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۳۴۱).

لذا امام خمینی در تلاش است از بیرون آوردن اسلام از حاشیه و توسل به آن و با برانگیختن ارادهٔ مسلمین آن‌ها را در برابر زیاده‌خواهی‌های دول استکباری و استعماری به خیزش و قیام جهت استقلال و حفظ منافع و منابع اسلامی، تشویق نماید.

۹. فرهنگ مقاومت، ایثار، جهاد، شهادت

فرهنگ مقاومت، ایثار، جهاد و شهادت از مؤلفه‌های حیاتی در کامیابی حال و آینده مسلمانان است. با عنایت به وجود چنین زیربنای اعتقادی، مسلمین همواره پیروز هرگونه مبارزه خواهند بود. امام خمینی مبدع فرهنگ مقاومت بود و به مفاهیم ایثار، جهاد و شهادت حیات دوباره بخشید و فرهنگ ایثار و شهادت را از متعلق بودن به عصر پیامبر و ائمه اطهار بیرون آورد و امروزه هر فردی یا هر مسلمانی می‌تواند در راه خدا، آزادی، استقلال، عزت و... قیام کند و از جان و مال خویش بگذرد.

چراکه امام معتقد است این مؤلفه‌ها، ایجادگر تحولی شگرف در آیندهٔ جوامع اسلامی بوده و ظرفیت مدیریت معادلات جهانی را به نفع مسلمانان دارد:

این رمز پیروزی است. آنها که مادی هستند و مادیگر، آنها هرگز شهادت را نمی‌خواهند ولی جوانان ما شهادت را سعادت خودشان می‌دانند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۱۳۷).

امام خمینی گفتمان ایثار، جهاد و شهادت را باز تولید و باز تفسیر می‌نماید و معتقدند شهادت هدیه‌ای از سوی خداوند برای انسان‌ها در هر زمان و هر مکانی است و معتقد بودند که این هدیه از جانب خدای تبارک و تعالی برای کسانی است که لایق هستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۴۴۰). «جوری شده بودند که شهادت را برای خودشان یک فوز عظیم دانستند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۹۱).

از دید امام تنها راه عزت، استقلال و پیروزی ایران و مسلمانان در عصر استبداد، مقاومت، ایثار و شهادت در راه خداست و وظیفه همه مردم نیز قیام است.

یک ملتی که می‌خواهد در مقابل همه قدرت‌ها بایستد، نمی‌خواهد سازش کند... می‌خواهد باقی بماند... باید مهیا بشود از برای اینکه همه پیشامدهایی که پیش

آمده است و پیش خواهد آمد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۷).
مراد امام از پیشامدها همه مشکلات و مصائب از جمله شهادت، جانبازی، ایثار و ... است.

۱۰. تئوری صدور انقلاب

ما میل داریم ملت‌ها همه این طور بشوند. ما که می‌گوییم «انقلابان را می‌خواهیم صادر کنیم»، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، ... ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم. ... آنها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم، دفاع لازم است... شما کوشش کنید ملت‌های خودتان را بیدار کنید. ... تا این تحول الهی، که در ایران پیدا شد، در آنجاها پیدا بشود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۹۱-۹۰).

از مکانیسم‌های امام در حمایت از قیام‌های مردمی و حرکت‌های اسلامی، تلاش در جهت ارائه ایدئولوژی جدید و وضع مطلوب به ملل کشورهای اسلامی است. امام به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی جهانی و آزادیخواه جهان اسلام، وضع مطلوب را آزادی ملل اسلامی از بند استعمارگران و حکومت‌های وابسته مستبد آنها و پیاده‌سازی حکومت الهی واقعی می‌داند در این راستا الگو و مصداق را انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی ایران می‌داند و به مردم مظلوم کشورهای اسلامی توصیه دارند از مردم ایران درس گرفته و حرکت آنها را سرلوحه برنامه‌ریزی خود جهت رهایی قرار دهند که این همان قدرت نرم انقلاب اسلامی است که نه با روش سخت و مسلحانه که با ویژگی‌های مثبت معنوی و فرهنگی انقلاب، در بیداری ملل اسلامی استفاده نمود.

نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست؛ برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. ... ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم؛ جمهوری جمهوری اسلامی است؛ نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۴۴۶).

و درباره ضرورت صدور انقلاب می‌گویند:

ما انقلابان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۱۴۸).

امیدواریم که این نهضت به سایر بلاد اسلامی هم صدور پیدا بکند. و این مکتب، مکتب همه مسلمین است بلکه همه مستضعفین (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۳۹۹).
ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم... محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۲۵).

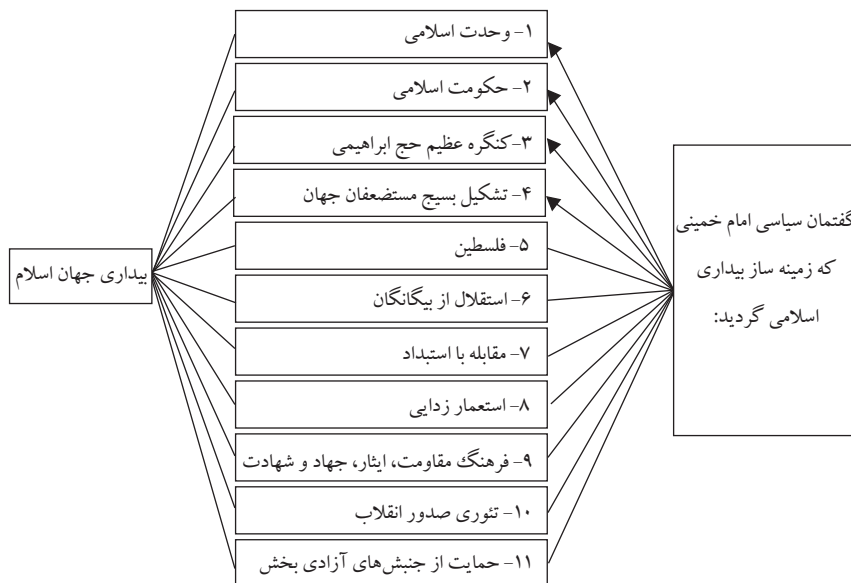
۱۱. جنبش‌های آزادی‌بخش

جنبش آزادی‌بخش، جنبشی است در میان مردم یک کشور یا مسلمانان بر ضد استبداد، استعمار و اشغالگری. مطابق دیدگاه امام، نهضتی رهایی‌بخش است که برای آزادی از بند کشورهای استعماری و حاکمان و نظام‌های وابسته صورت گیرد که هدف، مبارزه با ظلم و ظالم است و تلاش برای به دست آوردن استقلال، آزادی و قیام برای نجات ملت است. لذا می‌گویند:
ما به پیروی از اسلام بزرگ، از جمیع مستضعفین حمایت می‌کنیم؛ و از شما و هر سازمانی در جهان که برای نجات کشور خویش بپاخاسته است پشتیبانی می‌کنیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۱۱۱-۱۱۰).

شما ای جنبش‌های آزادی‌بخش؛ و ای گروه‌های در خط به دست آوردن استقلال و آزادی! بپاخیزید و ملت‌های خود و ملل اسلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن بدتر و قبیح‌تر از ستمکاری است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۳۲).
ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۱۳۸).
هدف امام خمینی از حمایت نهضت‌های آزادی‌بخش، ترویج اندیشه آزادی‌خواهی، حرمت انسانی و نجات ملل مظلوم است آن‌چنان‌که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ریشه در اندیشه‌های معمار آن دارد می‌خوانیم:

«جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (اصل سوم قانون اساسی، بند ۱۶)

نمودار مؤلفه‌های تأثیرگذار گفتمان امام خمینی در بیداری اسلامی



نتیجه‌گیری

با عنایت به مباحث مطروحه و منویات و رهنمودهای صریح معمار بیداری اسلامی امام خمینی نتایج چندگانه ذیل برآیند این پژوهش است:

امام خمینی با طرح نظریه وحدت اسلامی و تشکیل امت اسلامی، مسلمانان را جهت آزادی و رهایی از چنگال چپاولگران به پرهیز از تفرقه و تنازع داخلی دعوت نموده و ملت هر کشوری را به جبهه‌گیری در مقابل دولت نامشروع خود و امت اسلامی را به مبارزه علیه دشمن واحد می‌خواند.

امام به ملل اسلامی توصیه می‌کند طرح جدایی دین از سیاست توطئه دشمنان اسلام است و رمز عزت اسلامی حکومت اسلامی و تشکیل حکومت‌های مردمی با زیربنای دینی است؛ زیرا اسلام به‌هیچ‌وجه سرسازش با نظام سلطه چه از نوع داخلی و چه خارجی ندارد.

کنگره عظیم حج اسلامی از منظر امام خمینی، نماد وحدت و ابلاغ پیام مردم بیدار شده و انقلاب کرده ایران اسلامی به تمام مسلمین و فرصت آماده‌سازی اسلامی در برابر مشرکان و ظالمان جهانی است.

امام به توانمندی مستضعفان جهان امید قاطع دارد لذا توصیه می‌کند مظلومان جهان در برابر

ظالمان در زیر پرچم اسلام مجتمع شده و تا آزادسازی اسلامی از پای ننشینند. فلسطین خط قرمز امام است در صورت پیروزی و آزادی فلسطین، پیروزی اسلامی اتفاق افتاده است لذا امام به همه کشورهای اسلامی توصیه می کند این جرثومه فساد و نامشروع را نابود کنید که ابداع روز جهانی قدس با همین منظور برای مسلمانان طرح شده است. استقلال همه جانبه، به ویژه استقلال فکری به عنوان ریشه استقلال های دیگر از تأکیدات امام است و استقلال از بیگانگان از ضروری ترین مسائل در رسیدن به هدف اسلامی است. طراح بیداری اسلامی ملل اسلامی را به قیام و نافرمانی سیاسی در برابر حکومت های فساد، دست نشانده و مستبد خود دعوت می نماید و امت اسلامی را به درهم پیچیدن طومار نظام های فرعونانه فرامی خواند.

اندیشه سیاسی و انقلابی امام خمینی در تضاد شدید با استعمار قرار دارد و استعمارزدایی از کشورهای اسلامی که ریشه دیرینه نیز دارد از اصول بنیادین گفتمان امام است که توصیه می نماید در برابر زیاده خواهی دول استعماری بایستند و دست چپاولگر آن ها را از سرزمین خود کوتاه نمایند.

تئوریسین بیدارگری، اصول اعتقادی مسلمانان از قبیل فرهنگ مقاومت، ایثار، جهاد و شهادت را از اصولی می داند که ظرفیت تغییرات و تحولات اساسی را در جهان اسلام داراست لذا به مسلمانان توصیه می کند با این زیربناها شما پیروز خواهید شد با اعتماد به نفس قیام کنید. تئوری صدور فرهنگ انقلاب باطن شفاف نیت معمار بیدار اسلامی را در بیداری مسلمانان به نمایش می گذارد و به ملت اسلامی توصیه می کند از انقلاب اسلامی ایران الگو بگیرد. حمایت از جنبش های آزادی بخش در دفاع از مردم تحت ستم خود در برابر ظالمان از دیگر اصول گفتمان امام است.

لذا نتیجه گیری نهایی مقاله حاضر پاسخ به فرضیه تحقیق است که امام خمینی حوزه دید خود را نه به بیداری ایران که به کل جهان اسلام قرارداد بود و با موازین اشاره شده در تلاش برای ارائه طرح ها و برنامه ریزی هایی برای آزادسازی اسلامی بوده و تأثیر شگرفی هم در این مهم ایجاد نمود گرچه بیداری اسلامی موقتاً منحرف گردیده؛ اما در نهایت به صورت کامل اتفاق خواهد افتاد.

منابع

- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم. _____ . (بی تا) *ولایت فقیه*، قم: انتشارات آزادی.
- _____ . (۱۳۶۹) *وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام*، تهران: نشر اسوه.
- بابی، سعید. (۱۳۷۹) *هراس بنیادین (اروپا‌مداری و ظهور اسلام‌گرایی)*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: دانشگاه تهران.
- بهروز لک، غلامرضا. (۱۳۸۶) «اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی معاصر»، *نگاه حوزه*، شماره ۲۰۹.
- *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور*: ۱۳۹۰/۰۲/۱۴.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶) *اسلام سیاسی در ایران*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲ ق) *بحار الانوار*، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، تهران: دارالکتب اسلامی.
- مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. (۱۳۸۴) *بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن: مجموعه مقالات هفدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- مهبیار، رضا. (۱۳۸۹) *فرهنگ عربی به فارسی*، تهران: نشر دانشیار.